

پاسخ به برخی ابهامات احتمالی در باره جنبش رنسانس ایرانی

پرسش 1: آیا جنبش رنسانس ایرانی یک سازمان یا حزب سیاسی است؟

به هیچ روی. رنسانس ایرانی در پی انجام یک رستاخیز فرهنگی از جنس ایرانی است. این جنبش، تکاپویی ملی برای بازنگری در پهنه اندیشه و اخلاق است. برای افزایش بخت کامیابی، جنبش باید سامانمند و با برنامه باشد اما فاقد ساختار حزب و یا سازمان سیاسی است. طبیعی است که احزاب و سازمانها می توانند بر پایه مکتب ایرانشهری تشکیل شوند و یا نگاه رنسانس ایرانی به پهنه فرهنگ و اجتماع را در دستور کار خود قرار دهند.

پرسش 2: آیا جنبش رنسانس ایرانی یک حرکت سیاسی است؟

پاسخ: اگر بیکار با جهل و خشونت و بی اخلاقی و عوام فریبی، عمل سیاسی است، جنبش رنسانس ایرانی هم می تواند حرکت سیاسی بشمار آید اما اگر منظور، ایجاد جایگزینی برای حکومت کنونی است، این امر از قلمروی مستقیم رنسانس ایرانی بیرون است.

پرسش 3: آیا جنبش رنسانس ایرانی حرکتی باستان گراست و مفتخر به ایران باستان؟

پاسخ: جنبش رنسانس ایرانی به فرازهایی از تاریخ ایران بویژه در دوره پیش از اسلام آن بسیار ارج می نهد اما مطلقاً خیال به بازگشت به گذشته را ندارد. هدف، بکار گرفتن سرمایه های معنوی ملی و عناصر سازنده و پیشرو فرهنگ ایرانشهری برای رفتن به جلو و نوزایش ایران سرافراز، آباد و آزاد است.

پرسش 4: نگاه جنبش رنسانس ایرانی به کشور و ملت چیست؟

جنبش رنسانس ایرانی، تنها یک ملت و آنهم «ملت ایران» را در جغرافیای ایران می شناسد. وحدت ملی ایرانیان به اندازه یکپارچگی سرزمینی اهمیت حیاتی دارد. ایران سرزمینی است مشاع میان همه فرزندانش و دامنه گسترده تر فرهنگی ایران در منطقه که می توان از آن به پهنه نوروز یاد کرد، مورد علاقه و توجه همه همراهان رنسانس ایرانی است. همه ایرانیان «شهروند ایران» هستند و در همه نعمات و سختیهای آن شریک می باشند. رنسانس ایرانی به هیچ اکثریت و اقلیت قومی، دینی، جنسی، زبانی و مانند

اینها باور ندارد و همه را صرفاً «ایرانی» می‌داند. بنابراین، جنبش، هیچ‌گونه تبعیضی را میان ایرانیان نمی‌پذیرد.

پرسش 5: آیا جنبش رنسانس ایرانی باورمند به حقوق بشر است؟

پاسخ: آری. رنسانس ایرانی، کورش بزرگ را نخستین ناشر حقوق بشر در جهان می‌داند. در عصر نوین، حقوق بشر در پیکر سی اصل در میثاق جهانی معرفی شده است که مورد پسند رنسانس ایرانی است.

پرسش 6: آیا جنبش رنسانس ایرانی به دنبال زرتشتی کردن جامعه ایرانی است؟

پاسخ: خیر. رنسانس ایرانی، جنبشی کاملاً غیر مذهبی است. آموزه‌های زرتشت در گاتها نیز از جمله آبخورهای جهان بینی ایرانی و فرهنگ ایرانشهری است. از اینرو، همانند منیش کورش و فردوسی و در کنار مشارکت دیگر باورها و آیینهای اشتهی جو و سازنده حاضر در فلات ایران، خاستگاه فکری رنسانس ایرانی بشمار می‌آیند. پرداختن به متون زرتشتی به درک بهتر فرهنگ ایرانشهری کمک می‌نماید اما جنبه مذهبی آن در حوزه خصوصی زندگی انسانها جای می‌گیرد و بنابراین در قلمروی نوزایی ایرانی قرار ندارد.

پرسش 7: آیا جنبش رنسانس ایرانی لائیک و یا سکولار است؟

پاسخ: رنسانس ایرانی، لائیسیته و سکولاریسم را فرآورده‌های مدرنیته در جهانی با بستر مسیحیت می‌داند که در غرب عموماً پیامدهای خوبی نیز از خود بجا گذاشته‌اند. ترویج خردگرایی، خردمداری و خردورزی، راهکار بومی و کاملاً ایرانی برای تدبیر مشکل مذهب و نقش آن در جامعه ایرانی است. خردی که در اندیشه‌های ایرانشهری سراغ داریم، عقلی است زیر چتر اخلاق که اعتقادات متافیزیکی را محدود به حوزه خصوصی انسانها می‌داند و آن را از حوزه تصمیمات عمومی و ملی جدا نگه می‌دارد.

پرسش 8: آیا جنبش رنسانس ایرانی، می‌خواهد دنباله‌رو رنسانس اروپا باشد؟

پاسخ: خیر. رنسانس ایرانی بر پایه بنمایه‌های اندیشه‌ها و اخلاق ایرانشهری بنا می‌شود حال آنکه غربیان، رنسانس اروپا را برآمده از فرهنگ آتن و میراث رم می‌دانند. اینها، دو خاستگاه متفاوت هستند. با این وجود، تجربیاتی که از رنسانس اروپا بدست آمده است می‌تواند بکار رنسانس ایرانی نیز بیاید.

پرسش 9: رنسانس فرآیندی است درازمدت اما ایران، اکنون نیاز به تغییرات بنیادی دارد و نمی تواند تاب بیاورد تا نهال رنسانس ایرانی بارور شود. چاره چیست؟

پاسخ: بله نوزایی پدیده ای است زمانبر و آرام اما برای مشاهده تغییراتی در جامعه ایرانی نیاز نیست به انتظار پایان رنسانس نشست. نوزایی فرآیندی است پیوسته و پویا و هنگامی که بستری را در جامعه ایرانی بویژه در میان فرهنگ دوستان فراهم آورد، نشانه های تغییر را در اندیشه و منش بخشی از ایرانیان می توان دید. برای قرار دادن کشور در مسیر درست و سلامت، در گام نخست، نیاز به متحول شدن همه ایرانیان نمی باشد. بخشی از جامعه که زمینه بازنگری در اندیشه و اخلاق را داراست، متحول می گردد و خود شرایط روشنگری دیگر بخشهای ملت را فراهم می آورد.

پرسش 10: چرا در مجامع فرهنگی و دانشگاهی و همچنین مجالس کشورهای غربی، رنسانس ایرانی را می توان به عنوان راهکاری شایسته و کارآمد معرفی نمود و انتظار پشتیبانی داشت؟

پاسخ: رویدادهای اخیر در پیوند با تروریسم و بنیادگرایی اسلامی، افکار عمومی جهان غرب بویژه اروپا را نگران نموده است. از آنجایی که بیشتر تهدیدات و حملات به جوامع غربی از جهان اسلام بویژه خاورمیانه سرچشمه می گیرد، یک دگرگونی بنیادین فرهنگی در مردم این منطقه می تواند روند مهاجرت مسلمانان به غرب و همچنین رشد فزاینده بنیادگرایی را در میان فرزندان این مهاجران، متوقف نماید. هیچ کشوری در جهان اسلام به اندازه ایران، زمینه و ابزار یک رستاخیز فرهنگی را ندارد. ایران هم نزدیک به چهار دهه، حکومت مذهبی را تجربه کرده و هم پشتوانه غنی و استواری همچون میراث ایران باستان را در خورجین تاریخی خویش داراست. پشتیبانی از رنسانس ایرانی که می تواند پرچمدار تغییرات اساسی در خاورمیانه بشمار آید، قادر است نمونه ای برای جنبشهای تحول خواهی در ملتهای منطقه بیافریند.